

دولت‌ها در کشاکش مسئله و شبه مسئله



مهدی حسین زاده یزدی /

عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

در باره چستی مسئله اجتماعی، مثل بسیاری دیگر از موضوعات و مفاهیم در حوزه علوم اجتماعی، اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد؛ چون اندیشمندان و پژوهشگران از پایگاه‌های نظری گوناگون به آن نگرسته‌اند و آن را توصیف و تبیین کرده‌اند. البته شاید پیدا کردن وجه اشتراکی بین این آرای گوناگون نشدنی نباشد، ضمن این‌که توجه به این نکته بسیار ضروری است که برخی از این اختلاف نظرها برآمده از بستر اجتماعی اندیشمندان است. در بررسی مفاهیم و تعاریف و نظریه‌ها باید به این نکته بسیار مهم توجه داشت و فقط این آرای گوناگون را مقلدانه تکرار نکرد. باید ضمن آموختن و بهره بردن از این آرا، به جامعه خود و اقتضائات آن هم توجه داشت و تا حد ممکن این تعاریف و مفاهیم و نظریه‌ها را با نیازهای جامعه خود متناسب ساخت.

نکته دیگری که باید بدان توجه داشت، سیالیت بحث مسائل اجتماعی است. به این معنا که افزون بر عامل مکان، یعنی جوامع گوناگون که به آن اشاره کوتاهی کردم، عامل زمان هم بسیار تعیین‌کننده است؛ بنابراین کاملاً طبیعی است پدیده‌های اجتماعی در دوره‌ای مسئله‌ای اجتماعی به حساب آید اما در دوره‌ای دیگر در همان جامعه، آن پدیده مسئله‌ای اجتماعی به حساب نیاید. این تغییر و تحول علل بسیاری دارد؛ ولی بیشتر در سطح مصداقی است تا سطح مفهومی؛ به عبارتی، حتی اگر چهارچوب نظری، یعنی تعریف ما از چستی پدیده اجتماعی نیز صادق باشد، به دلیل تغییر و تحولات اجتماعی، مصادیق مسائل اجتماعی در طول زمان دگرگون می‌شوند. البته نباید غافل بود که در جوامع، ارزش‌ها به مرور زمان و به علل گوناگون دچار دگرگونی می‌شوند. به پیروی از این دگرگونی ارزشی، مسائل اجتماعی هم از نظر مردم تغییر می‌کند.

همین ویژگی، سیالیت بسیاری به تعیین مصادیق و نمونه‌های مسائل اجتماعی در هر جامعه‌ای می‌دهد. زمانی این امر شدت بیشتری می‌یابد که بدانیم در دنیای امروز به دلیل تأثیرگذاری شدید و عمیق و گسترده رسانه‌ها، از جمله شبکه‌های اجتماعی، ارزش‌ها به صورت کوتاه مدت یا بلندمدت دگرگونی‌های زیادی را به خود می‌بینند و به پیروی از آن، نگاه مردم نیز به پدیده‌های اجتماعی تغییر می‌کند.